info@payamdaily.ir

پیام آشنا

نخستین روزنامه صبح البرز

شماره ۲۶۷۴

دوشنبه / ۲ دی / ۱۴۰۳

۲۱ / جمادی الثانیه / ۱۴۴۶

23 / December / 2024

صاحب امتیاز: موسسه همگامان اندیشه زمان

مدیر مسئول: محمود حیدری سردبیر: بهاره حیدری

نشانی: کرج، بلوار تعاون، خیابان فرهنگ، جنب کانون کارشناسان رسمی دادگستری

تلفن: ۳۲۵۳۲۸۳۸-۳۲۵۳۴۴۳۳-۲۶ فکس: ۳۲۵۳۰۱۰۱

امتیاز در طرح ارزیابی کیفی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ۶۷/۸۰

چاپ: کارگر

امروز با حافظ

به حق صحبت دیرین که هیچ محرم راز
به یار یک جهت حق گزار ما نرسد
هزار نقش برآید ز کِلکِ صُنع و یکی
به دل‌پذیری نقشِ نگارِ ما نرسد

خوشا

در آن دیوان که حق حاکم شد و دست و زبان شاهد نخواهد بود بسازار و بها چیر دزبانی‌را

پروین اعتصامی

اذان

اذان صبح	طلوع آفتاب	اذان ظهر	غروب آفتاب	اذان مغرب
۰۵:۴۲	۰۷:۱۳	۱۲:۰۶	۱۶:۵۷	۱۷:۱۸

برگه

هرگز به این خاطر که زمان زیادی طول می‌کشد تا به رویاهایت برسی، از آن‌ها دست نکش، زمان به هر حال می‌گذرد...

لرل‌نایتینگل

گزارش روز

معمار جامعه

اهمیت و لزوم توجه به جایگاه مادر در خانواده آن‌قدر مهم و حیاتی است که نمی‌توان آن را نادیده گرفت؛ چرا که نقش مـادر در خانواده در تمام جنبه‌های زندگی فردی و اجتماعـی دیگر اعضا تأثیر دارد و بر همه آنها بطور مستقیم و غیرمستقیم تأثیر می‌گذارد

به گزارش پیام آشنا به نقل از جام جم، اهمیت و لزوم توجه به جایگاه مادر در خانواده آن‌قدر مهم و حیاتی است که نمی‌توان آن را نادیده گرفت؛ چرا که نقش مـادر در خانواده در تمام جنبه‌های زندگی فردی و اجتماعی دیگر اعضا تأثیر دارد و بر همه آنها بطور مستقیم و غیرمستقیم تأثیر می‌گذارد

مادرانی که نیروی قدرتمندی برای انسجام و یکپارچگی اجتماعی محسوب می‌شوند؛ آن‌قدر که قرب، به‌اتفاق متخصصان حوزه خانواده، معتقدند مادران عامل تربیت رشد و تعالی انسان و همچنین ترقی و پیشرفت خانواده هستند؛ آنچه بدیهی به نظر می‌رسد این است که نظام خانواده از ترکیب زن و مرد تشکیل شده که در این میان، نقش زن کلید همه نقش‌هاست؛ چرا که بدون زن و بدون مادر خانواده، هیچ نقشی را نمی‌توان در جامعه تصور کرد. موضوعی که دین اسلام هم بر آن تأکید دارد در دین اسلام، زن جایگاه بسیار والایی در اجتماع و خانواده دارد و همان گونه که سازنده خانواده است، در جامعه نیز تأثیر مستقیم داشته و می‌تواند جامعه را به سمت سعادت و تعالی یا به سمت انحراف و فساد سوق دهد.

مادر خوشحال، فرزند تاثیر خوشحال تر!

اگر مادر حالش خوب باشد، فرزندش هم با امید و انگیزه رشد می‌کند؛ مادری که چشم و دل و سر است، فرزندانی می‌تواند از دیگران پرورش می‌دهد. مادر است که می‌تواند افرادی بی‌حسرت، بدون عقده، با عزت‌نفس، منضبط، محترم به بار آرد. جامعه کند یک مادر به فرزندش بیان می‌دهد که چطور اعتماد کند و چطور انسان فن وقایل اعتمادی باشد؛ مطالعات نشان داده که رشد و شکل‌گیری شخصیت و نگرش‌های کودک ارتباط مستقیمی با مادر دارد. در واقع مادر هر رفتاری که انجام بدهد و هر باوری که داشته باشد، آن را به فرزندان و اعضای خانواده انتقال می‌دهد. برای همین است که جایگاه مادر در زبان‌های ما تا به این اندازه با اهمیت است. چرا که سعادت تک‌تک افراد یک خانواده و به تبع آن، سعادت افراد یک جامعه، به منش و رفتار مادران خانواده بستگی دارد و به حال خوب و بد مادران گره خورده است. «اگر مادر نقش خود را به‌خوبی ایفا کند، محصول و خروجی آن شـهروندی است که برای نظام اجتماعی خود مؤثر و کارآمد خواهد بود؛ بنابراین نقش مادری یکی از مهم‌ترین نقش‌ها محسوب می‌شود. در حقیقت مادر، آینده جامعه را با تربیت نیروی انسانی تحت تأثیر قرار می‌دهد؛ این را بوالفضل اقبالی، جامعه‌شناس می‌گوید و معتقد است اگر این اتفاق نیفتد و به هر دلیلی آن فرد با ارزش‌ها نه‌ارزاگر و در تقابل با هنجارهای اجتماعی باشد، برای جامعه هزینه‌زا خواهد بود.

کودکان خانواده بزرگسالان جامعه

از اهمیت آن همین‌قدر بگوییم که در جامعه، اگر کسـی کار خیر و نیکویی کند، به مادرش رحمت می‌فرسـتند که او را این‌گونه تربیت کرده و اگر از او آزار و اذیتی برسـد، مادرش را نکوهش می‌کنند که تربیت‌شده‌ای چنین رفتارهای ناشایسـتی دارد در واقع نقش محوری و کلیدی مادر در تربیت فرزندان، بسیار بیشتر از هر دیگر پدیده چشم‌می‌آید که در قرار دادِ جامعه می‌شود و در محیط اجتماعی قرار می‌گیرند. واقعیت این اسـت که تقریباً بخش بزرگی از خوب یا بد بودن کودک در آینده و در اجتماع، به مادر بسـتگی دارد. ارزش‌های اخلاقی آموزش داده شده توسط مادر، نقش بزرگی در مسیر پیش‌روی افراد ایفا می‌کند. افراد اغلب ارزش‌های مادر خود را تاسـنین بالا با خود به همراه دارند و از همین‌روست که مادر مسـئول سـعادت جامعه اسـت؛ آن‌قدر که شاید اغراق نباشـد اگر بگوییم آینده یک جامعه، تا حد زیادی، نتیجه آموزش یک مادر اسـت.

مادری در تمام فرهنگ‌ها

کمتر کسـی اسـت که بتواند اهمیت وجود خانواده را نادیده بگیرد؛ آن هم نه یک خانواده فریبانـده عبرت‌های سـطوحی‌ای که اعضای آن روحی‌ای حمایت‌گر ندارند. دل‌شـان به همدیگر خوش اسـت، نیازهای عاطفی و روحی‌شـان درهمان خانه خانواده تأمین می‌شود؛ در نتیجه چه اتفاقی می‌افتد؟ تک‌تک اعضای خانواده، بدون آسـیب‌های روحی، وارد جامعه می‌شـوند؛ این موضوعی اسـت که نه‌فقط در فرهنگ‌ما، بلکه در بسـیاری دیگر از فرهنگ‌های جهان جایگاه باهمیتی دارد؛ جایگاهی که البته در برخی از کشورها با وجود آگاهی از ارزشـمندی چنین موضوعی تا رسـیدن به وضعیت ایده‌آل‌شان، فاصله زیادی دارند اما همین خانواده‌ای که مستحکم بودنش، آرزوی بسـیاری از دولتهـاسـت، بر پایه‌های ویژگی‌های اخلاقی مادر خانواده بنا شده اسـت؛ چراکه همواره اسـم خانواده و خانواده با مدیریت زنان سر جای خودش قرار می‌گیرد و زنان مانند یک مدیر داخلی، تمامی لوحه‌ها را به شـکلی ماهرانه تنظیم و رتق و فتق می‌کنند.

دیدگاه

انتقاد سازنده یا تخریب سیاسی؟

مطالبی که تحت عنوان «نقد دولت» منتشر می‌شود، اگرچه در ظاهر رنگ و بوی مطالبه‌گری دارد، اما گاه بیش از آنکه به شـفافیت و اصلاح امور کمک کند، به ابزارهایی برای تخریب سـیاسـی، تسـویه حسـاب جناحی و سـهم خواهی و ایجاد شکاف در اعتماد عمومی تبدیل می‌شـود این در حالی اسـت که مقام معظم رهبری در بیانات اخیرشان مکرر انتقـاد از تخریب افکار عمومی را جرم و حرام سـیاسی تلقی کرده‌اند

به گزارش پیام آشنا به نقل از ایسـنا، فضای رسـانه‌ای کشـور، به‌ویژه در حوزه مسائل حسـاس و پرامهیتی مانند دسترسـی به اینترنت و رفع محدودیت‌های آن، همواره یکی از میدان‌های اصلی تقابل افکار عمومی با سیاسـت‌های دولت بوده اسـت. در این میان، مطالبی که تحت عنوان «نقد دولت» منتشـر می‌شـود، اگرچه در ظاهر رنگ و بوی مطالبه‌گری دارد، اما گاه پیش از آنکه به شـفافیت و اصلاح امور کمک کنـد، به ابزارهایی برای تخریب سـیاسـی، تسـویه حسـاب جناحی و سـهم خواهی و ایجاد شـکاف در اعتماد عمومی تبدیل می‌شـوند این در حالی اسـت که مقام معظم رهبری در بیانات اخیرشان مکرر انتقـاد از تخریب افکار عمومی را جرم و حرام سـیاسـی تلقی کرده‌اند.

در این شـرایط، پرسـش مهمی که باید به آن پاسخ داد این اسـت که تفاوت مطالبه‌گری ملی با تخریب سـیاسـی چیسـت؟ چه زمانی یک نقـد سـازنده تلقی می‌شود و چه زمانی، این انتقاد به عنوان یک اقدام تخریبی و جناحی شـناخته می‌شود؟ این یادداشـت با رویکردی زبان‌اسـتی، تلاش می‌کند مرز این دو رویکرد را به دقت ترسـیم کند و ضرورت‌های نقد منصفانه و مطالبه‌گری حرفه‌ای در فضای رسـانه‌ای کشـور را بازگو کند.

۱. ارزش‌های خبری: شفافیت، دقت و انصاف

در روزنامه‌نگاری حرفه‌ای، ارزش‌های خبری همچون شـفافیت، دقت، تعادل بی‌طرفی و انصاف نقشی کلیدی در نحوه تولید و انتشـار خبرها دارند. این اصول، مرز میان «نقد حرفه‌ای» و «تخریب سـیاسـی» را تعیین می‌کنند.

یکی از این ارزش‌ها، اصل شفافیت در هدف و نیت انتقاد اسـت. نقد سـازنده، هدفی روشن دارد: اصلاح امور و بهبود سـیاسـت‌ها در مقابل، نقدی که با نیت‌های پنهان و بدون ارائه اطلاعات شـفاف و دقیق منتشـر می‌شـود، بیشـتر از آنکه یک نقد منصفانه باشد، نوعی عملیات روانی برای کاهش سـرمایه اجتماعی دولت اسـت.

به عنوان مثال، برخی از مطالب اخیر با طرح عبارتی نظیر «چه اراده جدی»، «تاخیر در تصمیم‌گیری» و «فرداشـتن گامهم‌گام فیلترینگ»، ذهن مخاطب را با یک ناامیدی کلی نسبت به دولت همراه می‌کنند، بدون آنکه به مخاطب اطلاعات دقیقی از موانع، فرآیندها و چالش‌های نهادی تصمیم‌گیری بدهند. در حالی که بر اسـاس اصول روزنامه‌نگاری، باید به این پرسـش بلـغ داده شـود: آیا منتقد، اطلاعات دقیق و شـفاف درباره فرآیند تصمیم‌گیری داشـته اسـت یا صرفاً به ابهام‌آفرینی اکتفا کرده اسـت؟

۲. مطالبه‌گری واقعی: نقد با پیشنهاد همراه است

یکی از شـاخص‌های کلیدی برای تشـخیص تفاوت میان «مطالبه‌گری ملـی» و «تخریب جناحی»، وجود یا نبود راهکار جایگزین در متن نقد اسـت. روزنامه‌نگاری مسـئولانه و مطالبه‌گری واقعی، نه‌تنها مشـکلات را مطرح می‌کند، بلکه با ارائه راه‌حل‌های جایگزین، مسـیر اصلاح رانشان می‌دهد.

برای مثال، اگر سـیاست «رفع فیلترینگ گامبه‌گام» مورد انتقاد اسـت، منتقد باید گزینه‌های جایگزین را نیز پیشـنهاد کند. آیا امکان رفع فوری و کامل فیلترینگ وجـود دارد؟ آیا تجربه‌هـای مشـابه در کشـورهای دیگر بررسی شـده‌اند؟ آیا ملاحظات امنیتی و فرهنگی کشـور در این انتقاد لحاظ شده اسـت؟ اگر این پرسـش‌ها بی‌پاسـخ بمانند، آن‌گاه مخاطب با این تصور روبه‌رو می‌شود که منتقد، تنها به دنبال القای ناامیدی و عدم اطمینان اسـت.

از سـوی دیگر، اگر هدف، اصلاح و بهبود اسـت، باید به دنبال ارائه پیشـنهادهای منطقی و عمل‌گرایانه بود. متأسـفانه، در بسـیاری از مطالب رسـانه‌ای اخیر، بـه جای ارائه راهکار، صرفاً ابهام‌آفرینی و طرح سـوالات بی‌پاسخ دیده می‌شـود. پرسـش‌هایی نظیر «چرا برداشـتن فیلترینگ، نخواهد شـد؟» یا «یا دولت به وعده‌هایش پایبند می‌ماند؟»، در حالی مطرح می‌شـوند که هیچ پاسخ دقیق و راهکاری برای این سـوالات ارائه نمی‌شـود.

۳. ابهام‌آفرینی: ابـزار خطرناک برای افکار عمومی

یکی از روش‌های رایج در تخریب رسـانه‌ای، استفاده از تکنیـک ابهام‌آفرینی اسـت. این روش، یکی از ابزارهای جـنگ روانی به شـمار می‌رود که به‌جای شـفاف‌سـازی، ذهن مخاطب را بـه مسـیر تردید، شـک و ناامیدی سـوق می‌دهد.

طرح سـوالات بی‌پاسـخ، یکی از نشـانه‌های ابهام‌آفرینی اسـت. جملاتی مانند:

«یا دولت به وعده‌هایش عمل خواهد کرد؟»

«یا سیاسـت گامبه‌گام به معنای تعویق بی‌پایان نیسـت؟»

«یا این مسـیر، متوقف نخواهد شد؟»

این پرسـش‌ها، حتی اگر پاسـخی هم نداشـته باشـند، اثـری روانی بر ذهن مخاطـب می‌گذارند. پس از مواجهه با این سـوالات، مخاطب به جای آنکه به راحل فکر کند، با نوعی حـس ناامیدی، بی‌اعتمادی و بلاتکلیفی مواجه می‌شـود. این در حالی اسـت که رسـالت روزنامه‌نگاری، ایجاد شـفافیت و امید در جامعه اسـت نه ترویج تردید بی‌اعتمادی.

۴. تخریب سیاسی، تسویه‌حساب جناحی و از دست‌رفتن اعتمادعمومی

یکـی از بزرگـترین تهدیدهای فضای رسـانه‌ای، آلوده‌شـدن نقدهای ملی به گفتمان‌های جناحی و حزبی اسـت. در این فضا، برخی از فعالان رسـانه‌ای، به جای توجه به منافـع عمومی، مطالبات ملی را به ابزاری برای فشـار بر دولت و تسـویه‌حسـاب‌های جناحی تبدیل می‌کنند.

نمونه‌های این رویکرد را می‌توان در نقدهای اخیر در موضوع فیلترینگ دید. در این نقدها، نه‌تنها به موانع نهادی و فرآیندهای تصمیم‌گیری توجه نمی‌شـود، بلکه دولت را به تنهایی مسـئول این تصمیمات معرفی می‌کننـد. در حالی که سیاسـت‌گذاری در حوزه اینترنت و ارتباطات، فرآیندی چندبعدی و بین‌نهادی اسـت که تمامی قوا، نهادهای فرهنگی و امنیتی در آن نقش دارند.

روزنامه‌نگاری جناحی و تسـویه‌حسـاب سـیاسـی، تنها به بی‌اعتمادی عمومی دامن می‌زند و آسـیب‌های جبران‌ناپذیری به همراه دارد. این در حالی اسـت که رسـانه‌ها باید به عنوان پل ارتباطی میان مردم و دولت، زمینه‌ساز اصلاح امور و افراهم‌کنندگان اعتماد به آنکه خود به بخشـی از فضای تخریب و ناامیدی تبدیل شـوند.

۵. راهکارهایی برای اصلاح شیوه‌های انتقاد رسانه‌ای

پرهیز از ابهام‌آفرینی: روزنامه‌نگاران باید به جای طرح سـوالات بی‌پاسـخ، بلـغ‌های دقیق و تحلیل‌های کارشـناسی ارائه کنند.

ارائه پیشنهاد جایگزین: انتقاد از یک سیاسـت باید همراه با پیشـنهاد جایگزین باشد.

دقت در تحلیل‌های ساختاری: تحلیل‌های رسـانه‌ای باید موانع نهادی و نقش سایر نهادها را در نظر بگیرند. تمرکز بر هدف اصلی انتقاد: هدف اصلی رسـانه‌ها اصلاح و بهبود امور اسـت نه تسـویه‌حسـاب سیاسـی.

مطالبه‌گری واقعی یا تضعیف اعتماد؟

رسـانه‌های کشور باید خط روشـنی میان نقد سـازنده و تخریب سـیاسـی ترسـیم کنند. نقد سـازنده، هدفش اصلاح و بهبود اسـت، اما تخریب سـیاسـی، با ابزار ابهام‌آفرینی، تسـویه‌حسـاب جناحی و القای ناامیدی، اعتماد مردم را نسـبت به نظام اجرایی تضعیف می‌کند.

اگر رسـانه‌ها در کنار مـردم ایسـتاده‌اند، باید با رویکردی منصفانه، نه‌تنها مشـکلات را بیان کنند، بلکه راه‌حل‌هایی عملی و کارشـناسی ارائه دهند تا حداقل‌ها در به وقایع ملی که نمادِ دولت منتخب است نزدیک شـوم اگر این اصل رعایت نشـود، رسـانه‌ها به جای صدای مردم، به بلندگوی جناح‌های سـیاسی تبدیل خواهند شـد و در این میان، آنچه از دست مـی‌رود، اعتماد عمومی به کل نظام تصمیم‌گیری اسـت.

محمداحمدی

اشاره

«داوینچـی» در اتـــاق عمـــل

دنیای پزشـکی یکـی از عرصه‌هایـی بوده که بیشـترین تأثیر را از فناوری گرفته اسـت. ورود رباتها به این حوزه هم تمرکز و دقت جراحان را افزایش داده و هم میـزان خطاهای پزشـکی و دوران نقاهت بیماران را تا حد زیادی کاهش داده اسـت. این فناوری به بیمارانی که در مناطق دوردسـت زندگی می‌کنند هم کمک کـرده تا از نابرابری تکنولوژی‌های روز بی‌بهره نمانند به گونه‌ای که حتی شاهد انجام جراحی روباتیک از فاصله ۸ هزار کیلومتری نیز بوده‌ایم.

روبات پرکار داوینچی

هرچند انجام جراحی‌های روباتیک اولین بار در دهه ۱۹۷۰ آغاز شـد و اولین محصولات تجاری جراحی‌های روباتیک هم اواخر دهه ۱۹۸۰ وارد بازار شـدند ولی معرفی روبات جراح داوینچی در سـال ۲۰۰۰ نقطه عطفی در حوزه روبات‌های جراح محسـوب می‌شـود. داوینچی به جراح اجازه می‌دهد میدان عملیات را به صورت سـه‌بعدی ببینـد و جراحی‌های پیچیده را با دقت بسـیار بالاتری انجام دهد؛ تا بافت‌های بدن آسـیب کمتری ببینند. همچنین داوینچی می‌تواند بخیه زدن و بند کردن بافت و براحتی انجام دهد که زمان بهبودی کوتاه‌تر و خطر عفونت نیز کمتر می‌شـود. تاکنون بیش از ۶۰ هزار جراح در سـراسـر جهان برای اسـتفاده از داوینچی آموزش دیده‌اند و بیش از ۱۰ میلیون عمل جراحی انجام شـده اسـت.

از ارسال دارو تا آندوسکوپی با ربزوربات‌ها

علاوه بر روبات داوینچی، پزشکان در جراحی‌ها از دیگر روبات‌های نیز اسـتفاده می‌کنند. برخی از این روبات‌ها مانند **Versius** بسـیار کوچک بوده و تنها برای عمل‌های خاص مورد اسـتفاده قرار می‌گیرند. این روبات از بازوی انسـان تقلید می‌کند و می‌تواند به راحتی کوچک‌ترین برش‌ها را انجام دهد؛ بنابراین برای انجام ظریف وسـیعی از روش‌های لاپاراسـکوپی از جمله ترمیم فتق، جراحی پروسـتات و گوش، بینی و گلو اسـتفاده می‌شـود. میکروربوت‌ها هم برای عبور از رگ‌های خونی و پرندودمغ‌ایی با رسـاندن دارو به یک اندام خاص اسـتفاده می‌شوند. در این میان کپسول‌های روباتیک آندوسـکوپی با اندازه‌های بسـیار کوچک را می‌توان برای گسـترش در دسـتگاه گوارشـی، جمع‌آوری اطلاعات و ارسـال اطلاعات تشـخیصی به پزشـک بفرسند.

قرص‌های روباتیک

نانوروباتها، روبات‌های بسـیار ریزی به اندازه قرص یا کوچکتر هسـتند که وظایف متفاوتی ازجمله دارورسـانی را از طریق جریان خون انجام می‌دهند؛ روباتهایی در مغیاس نانو که قابلیت خودترمیمی و اسـتفاده در برخش هایی از بدن دارند که دسـترسی به عضو مورد نظر دشوار اسـت.

جراحی روباتیک از فاصله ۸۰۰۰ کیلومتری

یکی از نوآوری‌های هیجان‌انگیز در زمینه جراحی روباتیک، امکان جراحی از راه دور اسـت. با اسـتفاده از تکنولوژی‌های ارتباطی پیشـرفته، جراحان می‌توانند از فاصله‌های دور عمل جراحی انجام دهند. این امکان به ویژه در مناطق دورافتاده و کشـورهای درحال توسـعه که دسـترسـی به جراحان متخصص محدود اسـت، مزیت بزرگی محسـوب می‌شـود. اولین عمل جراحی از راه دور در ۷ سـپتامبر ۲۰۰۱، توسط یک جراح فرانسـوی در نیوورک رخ داد. یک بیمار زن ۶۸ سـاله انجام شد. این بیمار هُمراز و ۲۲۰ کیلومتر دورتر از نیویورک در لنـزبورگ فرانسه درمان شد. با رونق جراحی‌های روباتیک از راه دور، یک پزشـک چینی در پکن انجـام داد. درحالی که پکن بیش از ۸ هزار کیلومتر با پاریس فاصله دارد و با یک پرواز بدون توقف ۱۱ ساعت طول می‌کشد تا به این شـهر برسـید. اما این جراح چینی بدون نیاز به جابه‌جایی فیزیکی، موفق شد تا بیما را استفاده از یک دسـتگاه خاص و به لطف اتصال اینترنت پرسـرعت **5G**، روی یک بیمار در یکن عمل جراحی انجام دهد.

پیوند روباتیک به به

یکی دیگر از جراحی‌های موفـق روباتیک دنیا در سـال جاری، انجام اولین پیوند سـه دوگانه کاملاً روباتیک بود. در این جراحی یک زن امریکایی مبتلا به بیماری مزمن اسـداد ریه، با اسـتفاده از سیسـتم روباتیک داوینچی تحت پیوند دوگانه ریه قرار گرفت. در برش‌های کوچک بین دنده‌ها توسـط سیسـتم روباتیک، به پزشکان اجازه داد هر ریه را بردارند، محل جراحی را آماده و ریه‌های جدید را جایگزین کنند و درنهایت هر دو ریه با موفقیت پیوند زده شد.

مقابله روبات‌های هوشمند با تومورها

برخی روبات‌ها هم برای جراحی از هوش مصنوعی و واقعیت مجازی بهره می‌گیرند. به عنوان مثال روبات **CyberKnife** از فناوری **D motion-sensing** اسـتفاده می‌کند تا با ردیابی تومورهای سـرطانی، نقشه آنها را از بین ببرد و بافت‌های سالم حفظ شوند. هوش مصنوعی نقش مهمی در تحلیل داده‌های پزشـکی و تصمیم‌گیری‌های بالینی ایفا می‌کند چراکه با تحلیل حجم عظیمی از داده‌های بیمارسـتانی، می‌تواند الگوهای پنهان از دید انسـان را شناسایی کند.

برش

الجزیره دمشق را فتح کرد؟

دمشق را رسانه فتح کرد نه جولانی، این جمله‌ای اسـت که به نقل از یک فرمانده مشهور نظامی در گروه‌های مختلف در شبکه‌های اجتماعی دسـته‌دسـت می‌شود. فارغ از صحت‌وسقم انتساب این تحلیل به فرمانده مشهور، خود این گزاره به‌تنهایی محل تأمل و قابل بحث‌اسـت.

به گزارش پیام آشنا به نقل از فرهیختگان، دمشق را رسانه فتح کرد نه جولانی. این جمله‌ای اسـت که به نقل از یک فرمانده مشهور نظامی در گروه‌های مختلف در شبکه‌های اجتماعی دسـته‌دسـت می‌شود، فارغ از صحت‌وسقم انتساب این تحلیل به فرمانده مشهور، خود این گزاره به‌تنهایی محل تأمل وقابل بحث است.

اگر معنای عبارت بالا این باشد که حکومت اسـد دچار هیچ خطا و ابرادی نبوده و کارآمد بوده، اما رسانه بخش مهمی از مردم سوریه را به این نقطه رسانده اسـت که یک آینده رعب‌آور و نافعلوم را به آن حکومت ترجیح دهند، متمدّ گزاره بالا غلط اسـت. این باور که رسانه می‌تواند از هیچ همه‌چیز بسـازد و یک فراواقعیت تخیّلی خلق کند؛ انگاره دقیقی نیسـت. این گزاره نه در دمشق که در هیچ نقطه‌ای از دنیا کارنمی‌کند.

اما اگر معنای این عبارت این باشد که پایان دادن به حکومت اسـد معلول یک مثلث سـطنعی از ناکارآمدی داخلی، طراحی امنیتی و سـیاسی خارجی و آتش تهیه رسانه‌ای بوده که اگر هرکدام از اینها نبود سقوط ۱۱ روزه رخ نمی‌داد، حرف دقیقی اسـت. درباره دوضلع نخسـت این مثلث کمویش حرف زده شده، اما آنچه کمتر گفته شده این اسـت که می‌توان در ماجرای دمشق رد‌پای یک جبهه رسانه‌ای هماهنگ را قبل، حین و پس از سقوط به‌وضوح مشاهده کرد؛ جبهه‌ای که در رأس آن الجزیره قطر حتی جلوتر از سـران قرار داشت.

تحلیل محتوای رسـانه قطری که در واقعه ۷ اکتبر و حوادث پس از آن معمولاً طرف چربان ضدارقیابی ایسـتاده بود، در این ماجرا نشان می‌دهد؛ آن‌ها آنچه را در سال‌های متمادی در منطقه کاشته بودند، به‌خوبی برداشـت کردند. فقط به یک فقره حوادث پس از سقوط اسـد دقت کنید.

پس از تغییر رژیم دمشق دو موضوع در افکار عمومی منطقه درباره سوریه برنگ شد: یکی ماجراهای زندان صیدنایا و دیگری اشغال بخش مهمی از خاک سوریه توسط صهیونیسـت‌ها و تسلط نتانیاهو به منافعی اسـتراتژیک بدون هیچ‌گونه مقاومتی از سوی نیروهای جولانی.

از میان دوموضوع بالا دوگانه سـی‌ان‌ان و الجزیره تمام‌ظرفیت خود را به‌کار بردند تا مسئله اول ـ ولوه یا کلیپ‌های دروغین خطلط‌ا و اویرال و تبدیل به جریان غالب رسـانه‌ای شود تا در جهان عرب و حلبی‌ان آرمان فلسطین کسی سؤال نکند چرا رسانه‌های مثل الجزیره که در وقایع ۱۴ ماه اخیر خط مقدم و اصلی جریان رسـانه‌ای ضدصهیونیسـتی اسـت، این تبانی آشکار در منطقه جولان را که به دستاورد بزرگ برای صهیونیسـت‌ها منجر شد، بایکوت می‌کند و چیزی درباره آن نمی‌گوید؛ با خیالی که‌اثر بنوشش می‌دهد.

مدیران الجزیره احتمالاً اینجا از هزینه رسـانه‌ای بالای چنین سـیاسـی در درازمدت مطلع بودند، اما در محاسـبه هزینه و فایده تصمیم گرفتند این هزینه را بپذیرند و اصطلاحاً از جیب بخورند. آن‌ها در این فقره از اعتمادی که سال‌ها ذخرفه به دست آورده بودند، خرج کردند تا بتوانند یک فرصـت‌اسـتراتژیک دولت متبوعشان یعنی قطر را پیش‌ببرند و البته اتخاذ این تصمیم نیاز به داشـتن یک ذخیره رویینان از سرمایه مخاطب اسـت که یک شـبه به‌دست نیامده اسـت. دیگر از اینجا به بعدش تکرار مکرّرات اسـت و رونه‌خوانی روضه مکشـوف این اسـت که چرا کشور کوچک قطر رسـانه اسـتراتژیکی چون الجزیره دارد و ما با این همه نقش مهم در منطقه و قرارمنطقه ثلثی از چنین ظرفیتی را نداریم تا در شرایط اینچنینی در آفساید نماییم؟

الجزیره حاصل اعتماد حاکمیتی تماقبلد اسـت که در سال‌های متمـادی از دم وزنم و قلـم و قدم برای تولید یک ظرفیت بزرگ دریغ نکرده اسـت و یک تجربه چند دهه‌ای پیچیده‌ا انگلیسی از رسـانه‌داری که ری‌رونذ شده است و الجزیره را شکل داده البته برای آه و افسوس بیشتر خیلی نیاز نیست الجزیره را ببینیم، بلکه بهتر اسـت خودمان را مقابل کنیم.

الجزیره غیر از پول و امکانات- که حتماً مهم اسـت- نمادی از نگاه حرفه‌ای حکمرانی به رسـانه اسـت؛ حکمرانی رسـانه‌ای کمی‌فهمد رسانه جمع جبری برادرهای مثبت و منفی است ونه مسابقه فوتبال یک‌طرفه که قرار اسـت ما همیشـه بدون گل‌خورده پیروز شـویم. برای نمره دادن به رسانه باید برآیند گرفت نه که نقطه‌ها را شمرد. حکمرانی‌ای که موضوع تولید سرمایه و اعتماد مخاطب را می‌فهمد وبـه مدیرش جرئت می‌دهد تا اعتماد لازم را جذب کند و بهنگام آن را خرج کند پـ.

در اوایل ۷ اکتبر الجزیره سخنرانی‌های همه اطراف جنگ از حماس و حزب‌الله تا ایران و آمریکا پـ. و حتی گالانت و نتانیاهو را مسـتقیم و کامل پوشش می‌داد چرا؟ چون می‌خواست مخاطب حس کند هر نیاز خبری‌ای که دارد همین‌جا تأمین می‌شود و نیاز نیسـت جای دیگری رود؛ آن وقت در سوریه رمارکت رسانه‌ای که ساخته‌بود؛ وبعید‌به را بعضاً به یک سوپرمن برساخت می‌کرد و وقایع غزه را آن‌گونه که لازم‌بود روایت؛ که درنهایت باعث عصبانیت صهیونیسـت‌ها می‌شد بود حال فرض کنیم یک رسانه بخواهد چنین کاری در ایران انجام بدهد چه بر سرش می‌آید؟

الجزیره با نیروی انسـانی برتعداد و حرفه‌ای در فلسـطین و لبنان پـ. تقریباً مرجع اول همه اخبار دسـتاول شده بود. این روش در نظام رسـانه‌ای خاتبر بیاک فردبدیهی اسـت در سـیاری از موضوعات مهم به فراخور نیاز از چند خبرنگار مورد اعتماد مرجع خبری می‌ـ‌ازند و حتی ذهن رقیب را هم با اطلاعاتی که آن‌ها نشر می‌دهند و ممکن است حتی بخشی از آن‌ها فیک‌نیوز هم باشـند، سـلمان می‌دهند؛ بدراک راوید، لارس نورمن، منابع نزدیک به آکسـیوس پـ. این‌ها اسـامی اسـت که ماهدای اخیر و در جریان رخوداد شـدن آتش بس ایران و صهیونیسـت‌ها بارها نامشـان راشـنیده‌ایم، اما از این طرف ماجرا تقریباً نفی سـاخته نشـده اسـت. چون به خبـر و خبرنگار حتی در حد ابزاری برای سوءاسـتفاده هم ارزش قائل نیسـتیم. و این گونه می‌شود که الجزیره دمشق را فتح می‌کند و ما تماشا.

محمدزعیمزاده

مکث

برای اشک‌های پزشکیان!

بو صد گفته چون نیم کردار نیسـت! اگر پزشکیان یک سـاعت هم درباره اهمیت خانواده و قوام و دوام آن و برقرو‌ختن شعله‌مهر در کلون خانواده سخن می‌گفت اثرش مثل اثر اشـک‌های روانش نبود.

به گزارش پیام آشنا به نقل از اعتماد، قرار این بود که درباره درس‌ها و عبرت‌های سـوظهای نه‌گله‌ای که در درنگ شـنبه پیش نوشتم مقاله‌ها را ادامه دهم. اما اشـک‌های پزشـکیان و واکنش‌ها و به ویژه واکنش منتقدان موجب شـد. در این باره درنگی داشـته باشم. کلمنس مترنیخ (۱۸۵۹-۱۷۷۳) از مهم‌ترین و تاثیرگذارترین شخصیت‌های سیاسی قرن نوزدهم اروپاسـت. سـخن معروفی از او ضرب‌المثل شـده است: «خداوند زبان را به سیاسـتمداران داد تا با آن بر خلاف قلبشـان صحبت کنند!» به همین خاطر گفته می‌شود زبان دیپلماتها یا رهبران سیاسی زبان پلاسـتیکی اسـت. ریقی که خون و عصب ندارد و شعله زندگی در آن نمی‌تپد و صداقت از آن نمی‌جوشد. حال در کشور ما رییس‌جمهوری در سـاحت مدیریت اجرایی کشور اسـت که سخن و سلوک و اندیشه و نیتش صادقانه است. پزشکیان در این سـاحت نمونه‌ای نادر است. همـر او روشناد دکترفاطمه مجددی پزشـک فوق‌تخصص بیماری‌های زنان به همراه یکی از فرزندان‌شان در سـلحه اتومبیل ۳۰-سال پیش در گذشته است. پزشکیان هر سـه فرزند را بزرگ کرده و عاطفه و محبت و عشق او نسـبت به همسـر مرحومش بیشـتر و درخشـندتر شـده اسـت. به حدی که نتوانسـت سخنرانی خود را ادامه دهد و گفت: «سخن گفتن سخت اسـت. همین اسـت»! و از پشت تریبون کنار رفت. بر صندلی‌اش نشـست و راحت در فضای حس فقدان و فراق همسـر و فرزندش زار زد. او به جای کلمه با اشک حرف زد. به تعبیر امام صادق علیه‌السلام: کُونُوا دُعاةً لِلنّاسِ بِغَیرِ أَلسِنَتِکُمْ؛ لِیروا مِنْکُمُ الاِجتِهادَ وَالصِّدْقَ وَالوَرَعَ. (الکافی ج ۲ ص ۱۰۵)

با مرنعان به غیر از زبان سـخن بگوییدا یعنی با سلوکتان تا در شما صداقت و اجتهاد و تقوی را مشـاهده کنند. دو صد گفته چون نیم کردار نیسـت! اگر پزشکیان یک ساعت هم درباره اهمیت خانواده و قوام و دوام آن و برقرو‌ختن شعله‌مهر در کلون خانواده سخن می‌گفت اثرش مثل اثر اشـک‌های روانش نبود. جلسه ما بیش از همیشـه به تقویت عاطفه و محبت و استواری مبنای خانواده نیازمند است. بدیهی است این حس و حال و هوا برای طایفه‌ای که نام زن‌شان را هم اجازه نمی‌دهند بر مزارش نقش شود در اعلامیه درگذشت همسرشان به جای عکس طرح دایره یا نوزنقه چاپ می‌کنند. یا به دلیل کینه‌ای که از پزشـکیان به دلیل شکسـت‌شان در انتخابات دارند و واکنش طبیعی، انسـانی و تحسـین‌برانگیز او را نه تنها نمی‌فهمند بلکه دستاویز طعنه قرار می‌دهند. چه باید گفت؟!

من در این عمر بیش از هفتاد سـالم می‌توانم بگویم. همواره با علما و روحانیون و طلاب علوم دینی سـر و کار داشـته و دارم. اصلا خودم به روایتی آخوند و آخوندشـمارم! اظهارات برخی را که گاه در این ایام و به مناسـبت اشـک‌های پزشکیان دیدم، خارج از تصور بود!

جلسه ما قساوت‌زده و خشونت‌زده است. شما به همین آمار طلاق‌ها در کشـور نگاه کنید. گفته‌اند در هر سـاعت ۲۰ طلاق ثبت می‌شود و از هر هزار ازدواج ۳۱۸ مورد به طلاق می‌انجامد. بسـیار خبا اشـک‌های پزشکیان به ما می‌گ